



دانشگاه سامان نور
په

آموزش هنر

(رشته علوم تربیتی)

مینو واتقی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

هفت

پیشگفتار

فصل اول: نقاشی کودکان

- ۱ گفتار ۱. کلیات (رویکردهای مختلف)
- ۱ گفتار ۲. مفهوم هنر از دیدگاه کودکان
- ۸ گفتار ۳. اهمیت و لزوم درس هنر و برنامه‌ی درسی کودکان
- ۱۱ گفتار ۴. چند نکته برای مربیان
- ۱۶ گفتار ۵. هنر، وسیله‌ای برای درک و شناخت رشد همه جانبه‌ی کودک
- ۲۲ گفتار ۶. روش‌های آموزش هنر به کودکان
- ۷۳ گفتار ۷. فعالیت‌های گروهی هنری
- ۷۵ گفتار ۸. فیلم‌سازی
- ۷۸ گفتار ۹. پرسپکتیو در طراحی
- ۸۰ گفتار ۱۰. نقاشی‌های ساده و قلمی
- ۸۶ گفتار ۱۱. انواع چاپ
- ۹۷ گفتار ۱۲. رابطه‌ی نقاشی با شخصیت کودک
- ۱۰۲

فصل دوم: دایره‌ی رنگ، ترکیب رنگ‌ها و تضاد رنگ‌ها، سبک‌ها و انواع نقاشی

- ۱۱۷ ۱. دایره‌ی رنگ
- ۱۱۷ ۲. ترکیب رنگ‌ها
- ۱۱۸ ۳. تضاد رنگ‌ها
- ۱۲۱ ۴. نظری اجمالی بر سبک‌های نقاشی نوین
- ۱۲۷ ۵. انواع نقاشی
- ۱۳۹

۱۴۳	فصل سوم: هنرهای سنتی ایران و اسلامی
۱۴۳	۱. آشنایی با سبک‌های سنتی نقاشی در ایران و هنرهای اسلامی
۱۵۱	۲. خوشنویسی
۱۵۹	۳. هنر کاشی‌سازی
۱۶۰	۴. خاتم‌سازی
۱۶۱	۵. منبت‌کاری
۱۶۳	مأخذ و منابع

پیشگفتار

این کتاب شامل سه فصل است فصل اول در مورد کودکان خلاقیت و رشدشناختی و اجتماعی کودک در رابطه با هنر است و هدف آشنا کردن مربیان آینده با هنر نقاشی و هنرهای تجسمی کودکان و چگونگی آموزش فعالیت‌های هنری است به نحوی که باعث پرورش استعدادهای خلاقه‌ی کودکان گردد. چه کاربرد نادرست آن تنها سبب نوعی دنباله‌روی و عدم تحرک می‌شود در حالی که می‌توان با استفاده‌ی صحیح از آن ویژگی‌های شخصیت و خلاقیت کودکان را رشد داد. نقش معلم نه تنها برانگیختن انگیزه و جذب کودکان به فعالیت‌های هنری است بلکه فراهم نمودن فرصت‌هایی تا کودکان بتوانند استعداد هنری خود را بروز دهند.

فصل دوم و سوم دربرگیرنده‌ی سبک‌های نقاشی و آشنایی با هنر بزرگسالان است. امروز متخصصین تعلیم و تربیت معتقدند هنرهای بزرگسالان را باید در کلاس‌ها به کودکان نشان داده زیرا توأم کردن فعالیت‌های هنری کودکان با تجربه‌های دیداری (مشاهده‌ی نمونه‌های هنری بزرگسالان) و صحبت درباره‌ی آن‌ها، همچنین فراهم کردن فرصت‌هایی که بچه‌ها بتوانند ارتباطات شناختی بین کارهای هنری خود و شاهکارهای بزرگسالان برقرار نمایند و به نقش هنر در جامعه پی ببرند، لازم و ضروری است.

درس آموزش هنر یکی از دروس تخصصی رشته‌ی علوم تربیتی آموزش و پرورش است. این درس شامل یک واحد نظری و دو واحد عملی می‌باشد. واحد نظری شامل دو قسمت اطلاعات مربوط به کودک و نقاشی‌هایش و قسمت دیگر اطلاعاتی در زمینه‌ی رنگ تضاد رنگ‌ها و سبک‌های نقاشی نوین و هنرهای سستی

ایرانی و اسلامی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد. واحد عملی شامل برنامه‌ی بازدید از موزه‌های محلی و فعالیت‌های کارگاهی است که در گفتار ۱۱ نمونه‌ای از فعالیت‌های کارگاهی ارائه شده است.

فصل اول

نقاشی کودکان

گفتار ۱. رویکردهای مختلف

مفهوم هنر و آثار هنری کودکان

دلایل متعددی باعث جلب توجه افراد به نقاشی کودکان بوده است، برخی از بزرگسالان نقاشی‌های کودکان را کاری جالب و رنگارنگ وسیله‌ای برای بیان وجود می‌دانند. گروهی نقاشی کودکان را یادآور خاطرات کودکی خود تلقی می‌کنند. با رشد جسمانی و روانی کودک نقاشی‌های او نیز تغییر می‌کند و بهتر می‌تواند افکار خود را مجسم کند.

متخصص تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به کارهای هنری کودکان از جنبه‌ی دیگری نگاه می‌کنند. آنها به جنبه‌های بالینی و روان‌کاوی نقاشی‌ها و تأثیر آن در هنر درمانی توجه خاص دارند. و گاه جنبه‌ی آموزش و تأثیر آن در یادگیری و تقویت مهارت‌های کلامی مورد نظر قرار می‌گیرد. به این ترتیب کارهای هنری کودکان را وسیله‌ای جهت شناخت رشد کودک و پیشرفت او در رسیدن به اهداف آموزشی مربی می‌دانند. در این مورد کارهای هنری کودکان با معیارهای از پیش تعیین شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و نتیجه‌ی کار هنری اهمیت خاصی پیدا می‌کند. به این ترتیب پدر و مادر، معلم، روان‌شناس هر یک دیدگاه خاصی متفاوت از دیگری در مورد یک اثر هنری خواهند داشت.

بهتر است دیدگاه‌ها را دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم:

۱. رویکرد بالینی ۲. رویکرد رفتارگرایان

۱. رویکرد بالینی

از سال ۱۹۴۰ به بعد پژوهشگران به ارتباط نقاشی با عواطف و انگیزه‌های کودک در نقاشی پی بردند. نقاشی کودکان نشان‌دهنده‌ی نکاتی است برای که برای کودک اهمیت داشته و مورد توجه‌اش می‌باشد. هر خط ترسیم شده و یا فضای در نظر گرفته شده در ارتباط با کل نقاشی مفهوم خاصی پیدا می‌کند. این نحوه‌ی استفاده از نقاشی در سنجش شخصیت و سازگاری کودک قسمتی از کاربرد گسترده‌تر روش‌های فرافکنی در روان‌شناسی بالینی و روان‌پزشکی است. نماد انسان بیش از هر نمادی توجه این گروه را جلب می‌کند. نحوه‌ی ترسیم بازوها، اندازه‌ی بدن در مقایسه با سایر اعضای بدن حتی تعداد دکمه‌های روی پیراهن و یا لباس نیز گاه می‌تواند نکته‌ی مهمی را فاش سازد. به این ترتیب هنر وسیله‌ای جهت شناخت و کشف مشکلات درونی و تجربیات ناگواری است که در فرایند رشد کودک تأثیر گذاشته است. با توجه به اینکه کودک دائماً در تعامل با محیط واقع است معمولاً روشی را برای مقابله با مشکلات خود انتخاب می‌کند که این انتخاب می‌تواند سلامت شخصیت او را معین کند. فعالیت‌های هنری همچنین در هنر درمانی مؤثر است، زیرا کودک می‌تواند به راحتی تجربیات تلخی را که موجب ایجاد تعارض در شخصیت وی گردیده منعکس سازد. که خود نوعی تخلیه‌ی هیجانی و پالایش نگرانی‌هاست. برای تعبیر و تفسیر نقاشی‌های کودکان روش‌های بسیاری مورد استفاده‌ی متخصصین قرار می‌گیرد. هیچ‌گونه معیار مشخصی در روان‌کاوی نقاشی‌های کودکان وجود ندارد و در بسیاری از موارد، برداشت‌ها و تفسیرها به شمع مفسر بستگی دارد. عملاً متخصص در مورد درمان‌جوی خود اطلاعات کلی کسب می‌کند.

۲. رویکرد رفتارگرایان

رفتارگرایان در مقایسه با روان‌شناسان بالینی از جهت دیگری به نقاشی کودکان توجه دارند و ضمن بررسی نقاشی‌ها به نتایج متفاوتی دست می‌یابند. رفتارگرایان بیشتر به فعالیت‌هایی توجه دارند که باعث تقویت یا شکل دادن رفتار کودک می‌شود. زیرا معتقدند که محیط در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر بسزایی دارد. به‌طوری که با تغییر محیط یا تغییر ساختار محیط، کودک نیز تغییر می‌یابد و بازتاب تغییرات ناشی از

تجربیات جدید او را می‌تواند در رفتارش مشاهده نمود، نتیجتاً نقاشی‌هایش نیز تحت تأثیر این تغییر قرار می‌گیرد و بازتاب فرایند تفکر او خواهد بود. بنابراین تعیین اهداف یادگیری با در نظر گرفتن اولویت‌ها و فراهم نمودن شرایط محیطی مناسب به منظور نیل به اهداف مورد نظر اهمیت پیدا می‌کند. نقاشی‌های کودک بازتاب درک وی از عملی است که انجام می‌دهد. اغلب کودک متوجه تغییر رفتار خود نمی‌گردد، لیکن نقاشی‌هایش ملاک موفقیت و یا عدم موفقیت او در رسیدن به اهداف موردنظر خواهد بود. این تغییر رفتار ممکن است در زمینه‌ی مهارت‌های ادراکی باشد مانند، تشخیص هارمونی رنگ‌ها، رشد شناخت روابط فضایی اجسام، آگاهی بیشتر نسبت به تناسب‌ها و غیره. در هر صورت معلم می‌بایست برای رسیدن به اهداف مشخص و معینی برنامه‌ریزی‌های لازم را بنماید. بی‌آنکه کودک را نسبت به اهداف آگاه سازد.

چنانچه کارهای هنری کودک وسیله‌ای جهت ارزیابی میزان پیشرفت وی در رسیدن به هدف‌های مشخصی باشد، پس باید معیار خاصی را برای ارزیابی نقاشی‌ها در اختیار داشته باشیم. اهداف نیز می‌بایست قابل اندازه‌گیری باشند. برای مثال چنین سؤال‌هایی را می‌توان مطرح نمود:

آیا کودک در نقاشی‌هایش از رنگ‌ها بهتر استفاده کرده است؟

آیا پرسپکتیو (نشان دادن دوری و نزدیکی اجسام در فضا) را می‌فهمد و به‌طور صحیح آن را به‌کار می‌برد؟ و چون در این گونه بررسی‌ها و جزئیات نقاشی مورد توجه است به این ترتیب فلسفه‌ی «بیان هنری» و یا «نقاشی وسیله‌ی بیان کودک» مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد.

برای بررسی مهارت‌های هنری کودکان در زمینه‌های خاص می‌بایست ابتدا اهمیت و لزوم کسب این مهارت‌ها برای ادامه‌ی بیان هنری کودک تشخیص داده شود. یعنی معلم می‌بایست این مهارت‌ها را بشناسد و ترتیب دستیابی به آن‌ها را با در نظر گرفتن توانایی فراگیر برنامه‌ریزی کند. اگرچه کسب مهارت‌های هنری لازمه‌ی فعالیت‌های خلاقه نیست، کودکان معمولاً در دوران پیش دبستان با علاقه و شوق زیاد آزادانه به بیان هنری می‌پردازند. تمام توانایی‌ها و مهارت خود را در این فعالیت خلاقه به‌کار می‌برند. لیکن وقتی وارد سیستم آموزش رسمی می‌شوند، به تدریج آزادی بیان هنری و خلاقیت خود را از دست می‌دهند. علت این امر عدم آشنایی به مهارت‌های

طراحی و نقاشی نیست بلکه روش‌های نادرست ارزشیابی و برخورد انتقادآمیز و راهنمایی‌های غلط باعث می‌شود که کودک در نحوه‌ی بیان هنری خود محدود و محدودتر شده، نتیجتاً انگیزه و علاقه‌ای به ادامه‌ی فعالیت هنری نداشته باشد. آموزش مستقیم در مورد نحوه‌ی استفاده از رنگ‌ها، تشخیص هارمونی رنگ‌ها، رعایت قوانین پرسپکتیو، اصول طراحی، رعایت تناسب‌ها و غیره می‌تواند چنین فعالیت دلبذیر و خوشایند را به یک تجربه‌ی ناگوار تبدیل کند.

غالباً معلمین که معتقد به این نظریه هستند کارهای هنری کودک را وسیله‌ای برای تعیین میزان موفقیت دانش‌آموز در رسیدن به هدف‌های پیش‌بینی شده و مشخص می‌دانند. و در جستجوی شواهدی هستند تا موفقیت آنان را در روش تدریس ارزیابی کند.

رفتارگرایان به تغییرات رفتار و نگرش فرد توجه دارند. این رهیافت مسلماً با رهیافت کلینکی تفاوت زیادی دارد ولی امروزه مورد پذیرش نیست.

۳. رویکرد تکاملی

در اینجا جنبه‌ی دیگری از نقاشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین معنی که با مقایسه‌ی نقاشی کودک با مراحل رشد تکامل نقاشی‌ها می‌توان به وضعیت موجود کودک پی برد. با توجه به اینکه دائماً در حال تغییر و تحول است الگوهای رشد مشخصی را دنبال می‌کند اگر چه این الگوها ممکن است با یکدیگر تفاوت داشته باشد، لیکن مراحل رشد پی‌درپی صورت می‌گیرد و یک روند منطقی را طی می‌کند که جهش به مرحله‌ی بعدی را آسان می‌سازد.

روان‌شناسان پیرو رهیافت تکاملی معتقدند که محیط و آموزش تأثیر چندانی در رفتارهای هنری کودکان ندارد. هر نقاشی کودک مرحله‌ای از تکامل رشد هنری او را نشان می‌دهد، اگرچه کودک گاه تحت تأثیر تشویق مربی و بزرگسال ممکن است بتواند نقاشی‌اش را در مقیاس بزرگ‌تر و یا گسترده‌تر ترسیم کند، لیکن روش یا سبک نقاشی او و یا مفهوم ذهنی که میل به توصیف آن دارد تغییری نمی‌کند. زیرا کودک تا زمانی که آمادگی لازم برای تغییر را نداشته باشد نمی‌تواند نقاشی‌اش را تغییر بدهد. و این تغییر نیز براساس الگوی رشد کودک با رشد جسمی و روانی او همگام است.

گاه کودک از نحوه‌ی تجسم هنری خود احساس رضایت نمی‌کند و نقاشی‌هایش او را خوشنود نمی‌سازد این زمانی است که کودک در حال گذر از یک مرحله‌ی رشد به مرحله‌ی دیگر می‌باشد. در چنین مواقعی می‌توان به او کمک نمود تا با آرامش بیشتری این مرحله‌ی انتقالی را بگذراند لیکن نمی‌توان او را به مرحله‌ی دیگر رشد هنری راهنمایی و رهنمود ساخت.

مربانی که معتقد به رهیافت تکاملی هستند کودکان را در انجام کارهای هنری آزاد می‌گذارند و دخالتی مستقیم در فعالیت‌های کودکان ندارند. زیرا معتقدند عوامل خارجی در تغییر سبک هنری کودکان نمی‌تواند تأثیر داشته باشد. پس وظیفه‌ی مربی منحصر به تهیه‌ی ابزار و وسایل مناسب هنری و فراهم نمودن مکانی مناسب می‌باشد. با توجه به تفاوت‌های فردی کودکان همه‌ی آن‌ها نمی‌توانند در یک زمان به یک تصویر ذهنی یکسان دست یابند. تغییرات محیط می‌تواند تأثیر زیادی در سرعت رشد داشته باشد ولی الگوی رشد تابع محیط نیست. این فرضیه نیاز به بحث بیشتری دارد. ولی در اینجا تعبیر و تفسیر کارهای هنری کودکان مورد نظر است.

۴. رویکرد هنرمندانه

این نگرش در مورد بررسی نقاشی‌های کودکان بیشتر به مربی هنر مربوط می‌شود. نقش مربی هنر تهیه‌ی مواد و وسایل مناسب، آموزش مهارت‌های هنری لازم و برانگیختن کودک به گونه‌ای که به انجام و ادامه‌ی فعالیت‌های هنری مانند طراحی و نقاشی علاقه‌مند گردد.

فعالیت‌های هنری مرحله به مرحله آموزش داده می‌شود و هر کودک پس از فراگیری یک مرحله می‌تواند آماده‌ی یادگیری مرحله‌ی بعدی باشد بدون آنکه به سطح رشد جسمی و روانی او توجه شود. مربانی که طرفدار آموزش مهارت‌ها و تکنیک‌های هنری می‌باشند احساس می‌کنند که کودک می‌بایست ابتدا طرز استفاده از قلم مو را یاد بگیرد و یا نحوه‌ی پاک کردن رنگ اضافی قلم مو را تجربه کند. بتواند خطوط خود را تحت کنترل داشته و کیفیت خطوط را تغییر دهد. در مورد کودکان بزرگ‌تر پرسپکتیو خطی و طراحی با مداد سیاه را می‌توان به آن‌ها آموخت. آگاهی در مورد نحوه‌ی استفاده از مواد و وسایل هنری اهمیت دارد. تا کودک بتواند از این ابزار برای بیان

هنری استفاده نماید.

به طور مثال در برنامه‌ی کودک کودکانی نحوه‌ی استفاده از آب رنگ و قلم مو (رنگ گواش یا پوستر) منظور می‌گردد. نوجوانان دوره‌ی راهنمایی می‌بایست تجربه با نقش برجسته بر روی مس، کنده‌کاری بر روی یونولیت، حصیربافی، طراحی گلیم و با نحوه‌ی به‌کاربردن قلم و جوهر آشنا شوند. جوانان دبیرستانی بیشتر می‌بایست در زمینه‌ی مثبت‌کاری، سفالگری بر روی چرخ گردان، استفاده از رنگ‌های اسپری مانند فوتک و ایربراش، و رنگ‌های روغنی و پلاستیک فعالیت داشته باشند. جمع‌آوری بازده هنری کودکان می‌تواند وسیله‌ای برای شناخت زمینه‌های استعداد هنری آن‌ها و راهنمایی و هدایت و تشویق کودک در جهت کسب موفقیت بیشتر گردد.

این سؤال مطرح نیست که بدانیم کدام یک از روش‌های نگرش نقاشی کودکان درست یا نادرست است زیرا آموزش و تجربیات گذشته‌ی هر فرد در زمینه‌های ذهنی او اثر می‌گذارد و نتیجتاً در برخورد با نقاشی‌ها و نحوه‌ی ایجاد انگیزه و انتخاب روش پاداش و تشویق کودکان نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت.

یکی از نکات بسیار مهم در درک آثار هنری و خلاقه اهمیت و توجه به فردیت نقاش و سعی در شناخت و درک خصوصیات فردی وی می‌باشد. یعنی زمانی می‌توانیم به اهمیت کار خلاقه‌ی کودک پی ببریم و آن را درک کنیم که کودک را شناخته باشیم و ترسیمات وی را انعکاس تجربیات زندگی او بدانیم. برای مثال نقاشی کودک می‌تواند حکایت را یک واقعه‌ی عاطفی و یا تجربه‌ی آتش‌سوزی خانه‌اش باشد که برای او اهمیت زیادی داشته است.

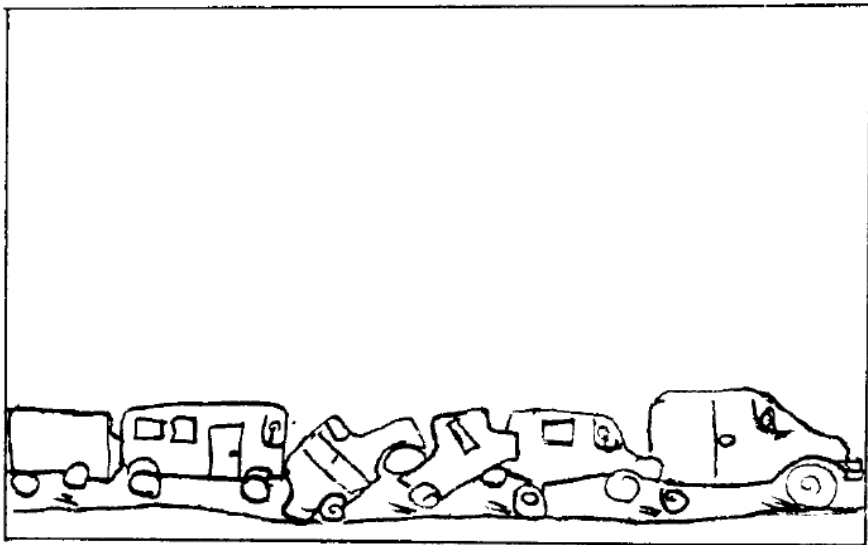
کارهای هنری کودکان نه تنها با یکدیگر تفاوت دارند بلکه در هر مرحله نیز کار هنری کودک متفاوت از مرحله‌ی دیگر می‌باشد. تجربه‌ای که برای کودک دوازده ساله پر معنی می‌تواند باشد ممکن است برای کودک هفت ساله مفهومی نداشته باشد. در ارتباط با نقاشی کودکان محتوی اهمیت چندانی ندارد بلکه آنچه مهم جلوه می‌کند روشی است که هر کودک برای توصیف آن محتوی به کار می‌برد.

کودک سعی می‌کند تمامیت وجود خود را، آنچه هست به تصویر بکشد. بدین معنی که احساساتش، تمایلاتش افکارش، کشفیاتش را در نقاشی‌ها منعکس می‌کند. از نظر کودک ارزش و اهمیت فعالیت‌های هنری در تجربه‌ی پرمعنایی است که

در هر مرحله کودک کسب می‌کند.

بررسی نقاشی کودک بی‌آنکه از او شناختی داشته باشیم و یا قصد و نیت او را درک کرده باشیم و اظهار نظر در مورد شخصیت کودک، قابلیت‌ها و توانایی و یا نقاط ضعف و کمبودهایش به هیچ وجه کار صحیحی نیست. متأسفانه اغلب مربیان با مشاهده‌ی نقاشی کودک به تعبیر و تفسیر می‌پردازند و برداشت خود را با خانواده‌اش مطرح می‌کنند. با این کار نه تنها به کودک و خانواده‌اش کمکی نکرده‌اند بلکه باعث ایجاد اضطراب و نگرانی آن‌ها می‌شوند. که منجر به سلب اعتماد به نفس کودک و دلسرد شدن او می‌گردد.

چنانچه هدف درک و حمایت و تأیید او در جهت ابراز وجود در کارهای هنری باشد و یا کشف راه‌هایی که می‌توانیم کودک را در زندگی فعال‌تر و درگیرتر با مسائل محیط اطرافش بسازیم، در این صورت قدمی مثبت و پرارزش در جهت تربیت فرزندان کشورمان برداشته‌ایم. کودک پیش دبستانی غالباً نقاشی خود را روز بعد تشخیص نمی‌دهد کودکان دبیرستانی به کارهای هنری خود از جهت انتقادی نگاه می‌کند و دیدگاه‌هایی کاملاً متفاوت از کودکان کودکستانی دارند.



تصویر ۱. نقاشی پسر بچه‌ی هفت‌ساله‌ای که ناظر صحنه‌ی تصادف بوده و تحت تأثیر آن قرار گرفته بود.

ولی برای هر دو هیجان و لذت نقاشی، عکس‌العمل ذهنی در برابر واقعیت‌های عینی محیط اطراف است، و وجود تفکر و حساسیت‌ها که رشد خلاق و ذهنی را و اینکه در پس هر نقاشی به ظاهر ساده فکری بزرگ و حساس و اثری از خلاقیت و رشد ذهنی پنهان است.

چنین نقاشی‌ای گاه از نظر یک بزرگسال معمولی و عادی تلقی می‌شود، و گاه نیز از نظر فن زیبایی‌شناختی زشت تصویر می‌گردد. در حالی که تصویر می‌تواند گوشه‌ای از زندگی و تجربه‌ی شخصی و فردی کودک را متجلی سازد. نتیجتاً بررسی انتزاعی فعالیت‌ها و یا توجه به توانایی و قدرت ترسیم کودک به تنهایی بدون در نظر گرفتن شخصیت و انگیزه‌ی کودک کار صحیحی نخواهد بود. بسیاری از کارهای بی‌اهمیت کودکان یا آن‌هایی که کودک خود آن را بی‌ارزش می‌داند و گاه در ارائه‌ی آن احساس شرم و خجالت می‌کند، نیز می‌تواند در برنامه‌ریزی هنر به مربی کمک کند تا مربی اوقاتی را جهت تقویت حس اعتماد به نفس کودک در بیان و ابراز وجود در نظر بگیرد. هر اثر هنری می‌بایست شایسته و با ارزش تلقی گردد. چنین نگرشی لازمه‌ی یک برنامه‌ی آموزش خلاق و هنرمندانه است.

گفتار ۲. مفهوم هنر از دیدگاه کودکان

هنر از نظر کودکان با آنچه بزرگسالان می‌پندارند، تفاوت دارد. تعریف هنر هر چه باشد از نظر کودک وسیله‌ای جهت بیان احساسات و افکار است. هیچ دو کودکی از نظر احساسی و فکری به یکدیگر شبیه نیستند، در واقع کودک امروز نیز با کودک دیروز تفاوت زیادی دارد. به همین دلیل نقاشی‌های آنان نیز متفاوت است. کودک محیط اطراف خود را آن گونه که می‌بیند ترسیم نمی‌کند بلکه ترسیم‌های وی مبنی بر برداشت او از پدیده‌های خارجی است و با رشد کودک و تغییر نگرش‌ها و تفکر وی ترسیم‌هایش نیز تغییر می‌یابد.

برخی از مربیان سعی می‌کنند در کلاس‌های هنر روش‌های آموزش مستقیم را به کار گیرند. و در مورد نحوه‌ی رنگ‌آمیزی، انتخاب رنگ صحیح، نحوه‌ی سایه زدن، شکل و فرم اشیا به کودکان آموزش می‌دهند و حتی گاه در انتخاب موضوع نیز کودکان را آزاد نمی‌گذارند.

چنین روش‌های بازدارنده باعث می‌شود کودک نتواند از انجام فعالیت‌های هنری لذت ببرد و آن را جهت ابراز وجود و افکار درونی خود به‌کار گیرد. اعمال چنین روش‌هایی، خلاقیت را نیز سلب کرده کودک را تشویق به کپی‌برداری و تقلید می‌کند و گاه کودک چنان دلسرد می‌شود که ترجیح می‌دهد در انجام فعالیت‌های هنری شرکت نکند.

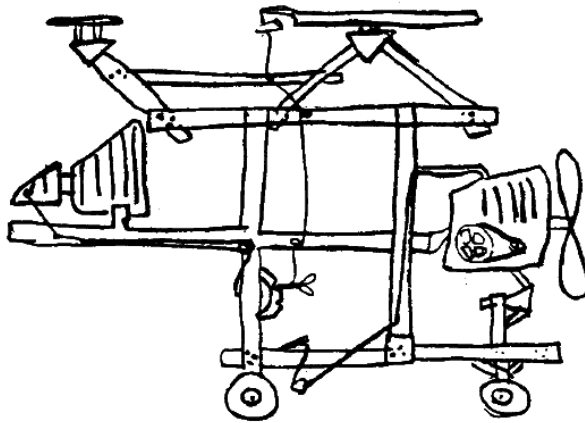
اگر به کودکان فرصت داده شود تا بدون دخالت بزرگ‌ترها به فعالیت هنری بپردازند و رشد پیدا کنند، نیازی به محرک جهت پرورش خلاقیت در کودکان نخواهد بود. هر کودک بدون ترس و خجالت خلاقیت خود را به‌کار خواهد گرفت و با اعتماد به نفس به‌کار خود می‌پردازد. بنابراین متکی به فکر، ایده و نظر دیگران نخواهد بود. دخالت و اعمال‌نظر بزرگسالان در انجام فعالیت‌های هنری می‌تواند عامل بازدارنده باشد. وقتی می‌شنویم کودکی می‌گوید «من نمی‌توانم نقاشی بکشم» می‌توان حدس زد که دخالت بزرگسال باعث شده کودک به‌کار خودش اعتماد نداشته باشد می‌ترسد کارهایش براساس معیار بزرگ‌ترها ارزیابی شود و چون نمی‌تواند مانند آن‌ها نقاشی کند ترجیح می‌دهد فعالیت هنری خود را متوقف سازد. پیشرفت کار کودکان و فعالیت‌های هنری را نمی‌توان براساس معیار بزرگ‌ترها اندازه‌گیری کرد.

هر جا صحبت هنر آغاز می‌شود، به جنبه‌های مربوط به زیبایی‌شناختی آن توجه می‌شود این توقع که هنر همیشه باید زیبا باشد، فعالیت‌های هنری کودکان را از مسیر اصلی خود منحرف می‌سازد. در حالی که نتیجه‌ی کار هنری کودکان اهمیت چندانی ندارد بلکه انجام فعالیت و کسب تجربه بیشتر مورد نظر است. بدین معنی که مراحل را که کودک جهت خلق یک فعالیت هنری طی می‌کند نحوه‌ی تفکر و احساس و ادراک او هنگام انجام فعالیت و چگونگی برقراری رابطه‌اش با محیط اطرافش از اهمیت بیشتری برخوردار است.

همه‌ی کودکان نیاز به فرصت کافی جهت کسب تجربه‌ی هنری دارند، به‌خصوص کودکانی که آرام و گوشه‌گیر هستند و گاه تمایل چندانی به انجام فعالیت‌های هنری نشان نمی‌دهند.

انتخاب یک یا چند نقاشی کودک نیز هیچ گونه ارتباط منطقی با فعالیت‌های هنری کودکان و یا آموزش هنر به کودک ندارد. زیرا همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد،

هنر وسیله‌ی بیان احساسات و افکار کودک است و بسیار شخصی و فردی است، هر کودک نکته‌ای برای گفتن دارد که از نظر خودش مهم است. چگونه می‌توان تعدادی از نقاشی‌ها را به‌عنوان کار نمونه انتخاب کرد. کودک علائق و میزان آگاهی خود را از محیط اطرافش را در نقاشی‌هایش نشان می‌دهد. کودک ده ساله‌ای که به ماشین و طرز کار مکانیکی آن علاقه‌مند است قطعاً برایش اجزای ماشین و ارتباط معنی‌دار اجزا با یکدیگر اهمیت بیشتری دارد.



طرح شماره‌ی ۲

طرح شماره‌ی ۲ توسط پسر ده ساله ترسیم شده است. تصویر شاید زیبا نباشد، اصولاً زیبایی طرح مورد نظر نبوده است. آنچه اهمیت داشته نحوه‌ی کار هر یک از اجزا و خلاقیت کودک در بیان هنری و آگاهی وی نسبت به نحوه‌ی عملکرد ماشین می‌باشد. که نشان می‌دهد کودک ضمن کشیدن این طرح، بسیار فکر کرده و در مشاهداتش دقیق بوده و به جزئیات توجه خاص داشته است. در این صورت نباید با مشاهده چنین تصویری اظهار کنیم: «این هواپیما شبیه هواپیمای واقعی نیست!» با توجه به این نکته که کسب تجربه در زمینه‌ی فعالیت‌های هنری در شکوفایی استعداد هنری کودک مؤثر می‌باشد، نباید بر حاصل کار کودک تأکید زیاد داشت. فراموش نکنیم هدف ما از آموزش هنر به کودکان، خلق اثر هنری زیبا نیست، توجه به

زیبایی اثر در حیطه‌ی هنرهای تزئینی مدنظر قرار می‌گیرد.

برنامه‌های هنری در دوره‌های کودکان، دبستان و راهنمایی می‌تواند به گونه‌ای تنظیم گردد تا به پرورش استعدادهای هنری دانش‌آموزان و شکوفایی خلاقیت آن‌ها بینجامد. همچنین فعالیت‌های هنری می‌تواند فرصت پرارزشی را جهت کسب مهارت در نحوه‌ی استفاده از مواد و وسایل هنری فراهم سازد، که خود کمک می‌کند تا کودک در انجام کارهای هنری دقت بیشتری داشته و با اعتماد به نفس به نوآوری و ابداع بپردازد. ضمن اینکه فعالیت‌های هنری یکی از سرگرمی‌های سالم و مفید و سازنده‌ی اوقات فراغت کودک می‌تواند باشد. آموزش هنر، پرورش استعدادها و خلاقیت است و زمینه را برای اکتشافات و اختراعات جدید آماده می‌سازد. اگر خلاقیت نبود اکتشافی نیز صورت نمی‌گرفت زیرا کشف کردن به دنبال فکر کردن و خلاقیت است و سؤال کردن اینکه دنبال چه می‌گردیم و چه چیز تازه‌ای را می‌بینیم. اختراع نیز براساس خلاقیت است که ابتدا اندیشه‌ی نو در مخترع به وجود می‌آید. بعد از ترکیب این اندیشه‌ی نو و کارهای قبل از آن وسایل جدید اختراع می‌شود. هنر یکی از مهمترین زمینه‌های پرورش خلاقیت می‌تواند باشد.

گفتار ۳. اهمیت و لزوم درس هنر در برنامه‌ی درسی کودکان

فعالیت‌های هنری می‌تواند به شناخت کودک از دیگران کمک کند. کودک در اثر تجربه متوجه می‌شود بینش و برداشت افراد از پدیده‌های هنری می‌تواند متفاوت باشد. به این ترتیب می‌آموزد برای انجام هر کاری تنها یک روش صحیح و یک راه درست وجود ندارد به همین خاطر می‌باید فکر و عقیده‌ی دیگران را نیز محترم دانست.

فعالیت‌های هنری غالباً با مشارکت و تبادل نظر و تبیین عقیده همراه است بنابراین کودک به ارزش و لزوم تشریک مساعی و همکاری نیز پی می‌برد.

فعالیت‌های هنری موجب افزایش آگاهی کودک نسبت به محیط اطرافش می‌گردد، کودک وسایل و مواد هنری را آزمایش می‌کند، بافت اجسام را مورد بررسی قرار می‌دهد، به رنگ و نقش پدیده‌های طبیعی توجه می‌کند در نتیجه در مشاهدات خود دقیق‌تر بوده و نسبت به محیطش آگاه‌تر خواهد شد.

فعالیت‌های هنری می‌تواند به بیان آزادانه‌ی افکار و مکنونات قلبی وی کمک

کند. ضمن نقاشی، بازی با خمیر و یا نمایش خلاق، کودک ترس‌ها، نگرانی‌ها، غم و ناراحتی‌های خود را آسان‌تر ابراز می‌کند و به این ترتیب از تنش‌های خود می‌کاهد. اغلب نقاشی‌هایی که از نظر ما بزرگسالان تکراری و یکنواخت است، می‌تواند برای کودک ناراحت و عصبانی عامل تسکین‌دهنده باشد، کودکی شش ساله پس از دیدن خواب ترسناک، نقاشی «اژدها در خواب دنبال من کرد» را کشیده است، یقیناً این کودک پس از اتمام نقاشی‌اش احساس آرامش بیشتری کرده و بر ترس خود تا اندازه‌ای غلبه یافته است. در ضمن وقتی متوجه بشود سایر کودکان نیز تجاربی ترسناک مشابه تجربه‌ی او داشته‌اند احساس آرامش بیشتری خواهد کرد.

کودک چهار ساله‌ای که تصویر خود را به شکل یک مأمور آتش‌نشانی نقاشی می‌کند تجربه‌ی لذت‌بخشی را برای خود فراهم می‌سازد.

هنر اگر به درستی آموزش داده شود باعث تقویت قوه‌ی خلاقه و ابتکار کودک می‌گردد. با تشویق کودک به بیان آزادانه‌ی افکار و احساساتش نه فقط به پرورش قدرت خلاقه او کمک کرده‌ایم، بلکه حس استقلال را نیز در او تقویت نموده‌ایم. فعالیت‌هایی که می‌تواند به رشد قوه‌ی خلاقه‌ی کودک کمک کند لزوماً نباید فعالیت‌هایی پیچیده و مشکل باشد، موارد زیر اگر چه بسیار ساده هستند لیکن مؤثر می‌باشند.

برای مثال از کودکان می‌خواهیم «وسیله‌ای اختراع کنند که با آن سفر کنیم، می‌گوییم، به نظر شما چه وسیله‌ای می‌تواند باشد؟ و چه شکلی دارد؟» و یا «اگر یک قطعه کاغذ به شکل و یا داشتید آن را به صورت چه حیوانی در می‌آوردید؟ این تمرین می‌تواند در مورد اشیا و یا چیزهای دیگر مانند خانه و غیره نیز به کار رود». و یا «با این جعبه‌ی خالی و مقوا و کاغذهای رنگی چه چیزهایی می‌توانید بسازید که فکر خودتان باشد».

هنر چه در ارتباط با بزرگسالان و چه در رابطه با کودکان، امری است شخصی. در نتیجه یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نکاتی که باید ضمن انجام فعالیت‌های هنری به خاطر سپرد این است که آزادی بیان احساسات و افکار حفظ شود. کودک باید در انجام فعالیت‌های هنری آزاد باشد تا بتواند افکار خود را آزادانه بیان کند و مربی باید همواره مشوق او باشد. کودک باید در مورد کاری که انجام می‌دهد احساس امنیت

کامل بکند و مطمئن باشد آنچه او خلق می‌کند و روشی که او اتخاذ می‌نماید کاملاً مورد قبول و تأیید مربی قرار خواهد گرفت. حتی زمانی که نقاشی‌های کودک قابل درک و فهم نیست نباید او را مورد سرزنش و انتقاد قرار داد. کودکی که به خود اعتماد داشته باشد از وسایل هنری جهت خلق اثر هنری بهتر استفاده خواهد کرد و متکی به بزرگسال نخواهد بود. هر چه کودک نامطمئن‌تر و بی‌اعتمادتر نسبت به خود و توانایی‌هایش باشد در انجام کارهای خود مردد و نیاز به کمک بیشتر مربی خواهد داشت اظهارنظرهایی مانند آنچه در زیر ذکر شده است می‌تواند برای کودکان ناموفق، مفید بوده آن‌ها را دلگرم و علاقه‌مند کند.

برای مثال:

«من از طرز قرار دادن این دو شکل در کنار یکدیگر خیلی خوشم می‌آید».

«تو چه فکر جالبی داری» و یا «چسباندن آن دو قطعه مقوا به یکدیگر مشکل است ولی تو توانستی این کار را به خوبی انجام دهی، تو باید به خودت افتخار کنی»

جملاتی مانند: «تصویری که تو کشیده‌ای»، «عقیده و فکری که تو داری» نشان می‌دهد که کودک را پذیرفته‌ایم. این پذیرش مهم‌ترین عامل جهت ایجاد رابطه‌ی مناسب متقابل میان کودک و مربی است و کودک نسبت به خود اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کند.

اهمیت هنر در آموزش مفاهیم و مطالب علمی نیز روشن و واضح است. چه کودک ضمن ترسیم آموخته‌های جدید مجبور می‌شود مروری بر آنچه فرا گرفته بکند و به جزئیات توجه خاص بنماید که این خود به یادگیری بیشتر کودک کمک خواهد کرد. برای مثال پس از اجرای واحد کار اگر فعالیت هنری در رابطه با موضوع واحد کار باشد، کودک سعی خواهد کرد آنچه فرا گرفته به خاطر آورده و درباره‌ی آن فکر کند.

روش‌های نامناسبی که می‌تواند عامل بازدارنده جهت رسیدن به اهداف فوق باشد: برنامه‌هایی که از قبل توسط مدیر یا مربی پیش‌بینی و تهیه می‌شود و به کودک اجازه داده نمی‌شود که مطابق میلش نقاشی کند، روشی نامناسب است برای مثال، دادن کتابچه‌های نقاشی که طراح آن‌ها بزرگسالان هستند و کودک تنها به رنگ‌آمیزی می‌پردازد، کپی کردن تصاویر و نقاشی از روی مدل نیز یکی دیگر از روش‌های دیگر از روش‌های نامعقول است.

همچنین کتابچه‌های نقاشی که دستورالعملی برای ترسیم چیزهای مختلف ارائه

داده است و با رعایت این دستورالعمل‌ها همه‌ی کودکان نقاشی‌های یکنواخت و یکسان می‌کشند نیز بی‌ارزش خواهد بود. کشیدن طرحی توسط مربی بر روی تخته سیاه و نشان دادن طرز صحیح ترسیم یک شیء و تقاضای اینکه همه‌ی کودکان آن را تقلید کنند از اهداف ما به دور است.

تحقیق نشان داده است که این روش‌ها نه فقط کمکی در جهت پرورش قوه‌ی خلاقانه کودکان نمی‌تواند باشد بلکه باعث می‌شود کودکان به بزرگسال متکی شده و از انجام فعالیت خود احساس رضایت و خشنودی نکنند.

اگر به مفهوم آزادی افکار و پندار و ارزش و اهمیت آن در خلاقیت پی برده باشیم قبول خواهیم کرد که برنامه‌هایی که به کودک فرصت فکر کردن و آزادی عمل نمی‌دهد نمی‌تواند برنامه‌ای خلاق باشد.

وقتی کودکی می‌گوید: «من نمی‌توانم تصویر سگ را ترسیم کنم، شما آن را برای من نقاشی کنید» او پیش از هر چیز به تأیید و تشویق شما نیاز دارد چون مطمئن نیست تصویری که در ذهن دارد مورد قبول شما واقع خواهد شد یا نه بهتر است مربی از جهت فکری به کودک کمک کند. برای مثال بیان این نکته که «اگر من تصویر سگ را نقاشی کنم سگی خواهد بود که من ترسیم کرده‌ام، دیگر سگ تو نخواهد بود. و من دوست دارم سگی را که تو با فکر خودت می‌کشی ببینم» کودک را به انجام فعالیت تشویق خواهد کرد. سپس با مطرح کردن سؤالاتی و جلب توجه او به جزئیات، کودک می‌تواند تصویر روشن‌تری را در ذهن خود مجسم کند و بنابراین ترسیم آن تصویر برایش آسان‌تر می‌شود. سؤالاتی مانند:

